



The Implications of a Hadith-Based Anthropological Theory Centered on the Concept of *Ṭīnat* for the Objectives of the Educational System

Ataollah Bigdeli¹ | Seyed Rasoul Hosseini Navaz²

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.68.5.9

Research Paper

Received:
01 January 2024

Revised:
09 August 2025

Accepted:
23 September 2025

Published:
23 September 2025

P.P: 123-141

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

The anthropological perspective derived from the narrations (aḥādīth) concerning *ṭīnat* (primordial constitution) demonstrates an inherent capacity to generate civilizational trajectories. Among these is an educational system rooted in this understanding of human reality. Focusing on the potentials embedded in this narrative anthropology, particularly the concept of *ṭīnat*, can bring about a profound transformation in the field of education and pedagogy. This study employs library-based research, drawing on the foundations of hadith-based anthropology, to first construct a coherent framework of thought regarding human nature and then, through analysis of these sources, to articulate specific objectives for education and pedagogy. According to the findings, the foremost objective of an educational system grounded in the theory of *ṭīnat* is to fulfill *tamām al-ḥujjah*, the conclusive presentation of divine proof, to humanity. Subsequent objectives include: preventing the actualization of base (*sijjīnī*) *ṭīnāt*, creating conditions conducive to the fullest possible manifestation of elevated (*'illīyyīn*) *ṭīnāt*, and ultimately, building a civilization aligned with the *'illīyyīn* *ṭīnat*. The study suggests that by systematically pursuing these objectives within an educational framework centered on the concept of *ṭīnat*, it becomes possible to develop concrete methods and models that offer a clear and authentic vision of Islamic education.

Keywords: Hadith-based anthropology, Education and pedagogy, *Ṭīnat*, Islamic education.

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Socio-Cultural Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran. Ataollah.bigdeli@gmail.com
2. Ph.D. Student, Islamic Philosophy and Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Khavari'F & Olam-al-hoda'J, Hosseinpour Sabbagh'D.(2025). The Implications of a Hadith-Based Anthropological Theory Centered on the Concept of *Ṭīnat* for the Objectives of the Educational System. *The Research in Islamic Education Issues*, 33(68), 123-141

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



آثار النظرية الأنثروبولوجية المستندة إلى خبر تينيت على أهداف النظام التعليمي

عطاله بيگدلی^١ | سيدرسول حسینی نواز^٢

المُلخَص

تُظهر الصورة التي تُقدمها الأنثروبولوجيا السردية قدرتها على عرض التسلسلات الحضارية. ومن بين هذه التسلسلات الحضارية، يستمد النظام التعليمي من هذه الصورة للحقيقة الإنسانية، والتي يبدو أنها قادرة على إحداث تحول جذري في علم التربية من خلال التركيز على مواهب الأنثروبولوجيا السردية، وخاصةً فكرة "التدنييس". تسعى هذه المقالة إلى جمع البيانات باستخدام منهجية مكتبية، مستلهمة من أسس الأنثروبولوجيا السردية، للوصول أولاً إلى منظومة متماسكة من الأفكار حول الإنسان، ثم من خلال تحليل هذه البيانات، لتحديد أهداف علم التربية. ووفقاً للبحث الذي أُجرى، فإن أهم أهداف النظام التعليمي في ظل نظرية "التدنييس" هي استكمال الحجة لصالح الإنسان. وفي المراحل التالية، يمكن ذكر أهداف مثل منع حدوث التدنييس الحالي وتمهيد الطريق لأقصى حد من حدوثه في العالم العلوي، وأخيراً، بناء حضارة تتوافق مع العالم العلوي. ويبدو أنه من خلال متابعة هذه الأهداف في نظام تعليمي يركز على مفهوم الفضيلة، حتى يصل إلى المناهج والنماذج، يمكن التوصل إلى رؤية إسلامية للتربية.

الكلمات الرئيسية: الأنثروبولوجيا السردية، التربية، الأخلاق، التربية الإسلامية.

١. المؤلف المسؤول: أستاذ مساعد، قسم القانون، كلية الدراسات الاجتماعية والثقافية، جامعة الإمام الحسين، طهران، إيران
Ataollah.bigdeli@gmail.com

٢. طالب دكتوراه، الفلسفة الإسلامية وعلم الكلام، جامعة الإمام الصادق، طهران، إيران

الاستشهاد: بيگدلی، عطاله؛ حسینی نواز، سيدرسول؛ (١٤٤٧). آثار النظرية الأنثروبولوجية المستندة إلى خبر تينيت على أهداف النظام التعليمي، مجلة الفضيلة البحث في قضايا التربية الاسلامية، ١٤١-١٢٣. DOR:20.1001.1.22516972.1404.33.68.5.9



الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)
المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).



دلالت نظریه انسان‌شناختی مبتنی بر اخبار طینت بر اهداف نظام تربیتی

عطاله بیگدلی^۱ | سیدرسول حسینی نواز^۲

چکیده

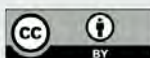
تصویر ارائه شده توسط انسان‌شناسی روائی ظرفیت ارائه دنباله‌های تمدنی را در خود نشان می‌دهد. از جمله دنباله‌های تمدنی انسان‌شناسی روائی، نظام تعلیم و تربیت منبث از این تصویر از حقیقت انسان است که به نظر می‌رسد با تمرکز بر استعداد‌های انسان شناسی روائی خصوصاً توجه بر انگاره «طینت» می‌تواند تحولی عظیم در علم تعلیم و تربیت ایجاد کند. مقاله حاضر سعی می‌کند با گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با الهام از مبانی انسان‌شناختی روائی اولاً به یک نظام منسجم از اندیشه‌های ناظر بر انسان دسترسی پیدا کرده و سپس با تحلیل این داده‌ها اهدافی را برای علم تعلیم و تربیت مشخص کند. مطابق پژوهش انجام شده مهم‌ترین اهداف نظام تربیتی ذیل نظریه طینت اتمام حجت برای انسان‌هاست. در مراتب بعدی می‌توان از اهدافی مانند پیشگیری از بروز فعلی طینت‌های سجینی و زمینه‌سازی برای بروز حداکثری طینت‌های علیین و در نهایت ساخت تمدن مطابق با طینت علیین نام برد. به نظر می‌رسد با پیگیری این اهداف در نظام تربیتی ناظر بر انگاره طینت تا رسیدن به روش‌ها و مدل‌ها می‌توان به دورنمایی از تعلیم و تربیت اسلامی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی روائی، تعلیم و تربیت، طینت، تعلیم و تربیت اسلامی

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق، دانشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران
Ataollah.bigdeli@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

استناد: بیگدلی، عطاله؛ حسینی نواز، سیدرسول. (۱۴۰۴). دلالت نظریه انسان‌شناختی مبتنی بر اخبار طینت بر اهداف نظام تربیتی؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی ۱۴۱-۱۲۳. DOR:20.1001.1.22516972.1404.33.68.5.9



مقدمه و بیان مسئله

بررسی انواع مختلف تلاش‌ها در فراهم آوردن شالوده‌ی تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر متون دینی، نشان می‌دهد تقریباً تمام نویسندگان و محققان این حوزه سعی کرده‌اند با رجوع به متون اسلامی یعنی آیات قرآن و روایات به جا مانده از ایشان و در مرحله بعد سیره‌ی معتبر معصومین علیهم‌السلام و با کنار هم نهادن گزاره‌های تربیتی این منابع، به یک نظام‌اندیشه‌ای هماهنگ و منسجم دست پیدا کنند (مطهری، ۱۴۰۲) (باقری، ۱۴۰۰) (جعفری، ۱۳۹۹) (باهنر، ۱۳۷۷). در پژوهش حاضر یافته‌ی جدیدی برای پی‌ریزی شالوده‌ی تعلیم و تربیت اسلامی ارائه می‌شود. مطالعات مقدماتی انجام شده مسأله مهمی را آشکار نمود: رجوع روش‌مند و جامع‌نگر به روایات شیعی در مورد انسان نشان می‌دهد، روایات برای به دست دادن فهم درستی از چستی انسان از مضامین و واژگانی کلیدی چون: «طینت»، «فطرت»، «روح»، «صبغه»، «قلب»، «عقل»، «نفس» و «اراده» بهره‌می‌برند، اما مهم‌ترین و محوری‌ترین مضمون انسان‌شناختی روایات شیعه «طینت» است. از سویی روایات طینت، دلالت‌هایی در حوزه تربیت (به معنای متعارف امروزی) دارد که با تلقی عمومی از تربیت سازگار نیست، از جمله مهم‌ترین این دلالت‌ها آفرینش انسان‌ها از طینت‌های ویژه خود از عوالم قبلی و عدم امکان تغییر طینت‌ها یا دشواری بسیار زیاد تغییر طینت‌ها است که عملاً منجر به ممنوع شدن اثرگذاری اقدامات تربیتی می‌گردد. از سوی دیگر در متون دینی امر به هدایت، تعلیم و تزکیه و در معنای امروزی، امر به تربیت وجود دارد، این اوامر بهبوده نیستند. پس چگونه می‌توان مضمون روایات طینت را با مضمون آیات و روایاتی که امر به تعلیم و تربیت نموده‌اند جمع نمود و وجه جمع برگزیده، چه دلالت‌هایی در حوزه تربیت دارند؟

فرضیات مقاله، با توجه به مطالعات مقدماتی صورت گرفته، به این شرح است:

۱. رجوع به روایات یکی از متقن‌ترین روش‌ها برای دستیابی به حقیقت انسان است.
۲. طینت به عنوان مبنایی‌ترین مفهوم در تبیین انسان از دریچه روایات تلقی می‌شود.
۳. طبق نظریه طینت سعادت یا شقاوت هر فرد در عاملی قبل از این دنیا بر اساس اختیار خود او محتوم شده است.
۴. تغییر طینت‌ها در این دنیا غیر ممکن است و در خوشبینانه‌ترین حالت صرفاً برای طینت‌های ترابی قابل فرض است.

با تدوین و طراحی دنباله‌های تربیتی این تصویر از حقیقت انسان نتایج زیر قابل پیش‌بینی است:
≠ اولاً از این جهت که انسان‌ها بر اساس طینتی نگاشته شده خلق می‌شوند تعلیم و تربیت ابداً در سعادت و شقاوت افراد اثرگذار نیست؛
≠ ثانیاً این امر نظام تربیتی را بی‌فایده و ناکارآمد نمی‌کند بلکه اهداف آن را متحول می‌کند؛

≠ ثالثاً مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت بر اساس نظریه طینت اتمام حجت خواهد بود؛
≠ رابعاً در کنار این مهم‌ترین هدف می‌توان از تغییر در بروزات طینت‌ها نیز سخن به میان آورد؛
≠ خامساً با پیش‌فرض قرار دادن امکان تغییر در طینت‌های ترابی می‌توان هدف دیگری را برای نظام تربیتی مستقر ساخت که عبارت است از ایجاد بستر برای سعادت طینت‌های ترابی.

مقاله حاضر سعی کرده است بعد از معرفی نظریه طینت، به عنوان ستون اصلی نظریه انسان‌شناسی روائی و اشاره به وجوه برتری این سبک نگاه به انسان نسبت به سایر تبیین‌های متداول از انسان به سراغ اهداف علم تعلیم و تربیت رفته و از دل نظریه طینت، اهداف تعلیم و تربیت را استخراج کند. نتیجه این تلاش، نشان دادن تحول معنایی عمیق بوجود آمده در اهداف تعلیم و تربیت توسط این رویکرد خاص تدوین تعلیم و تربیت اسلامی است که به نظر می‌رسد با ادامه دادن این اهداف و استخراج سایر نیازمندی‌های تاسیس یک علم (اعم از روش‌ها، مدل‌ها، دستورالعمل‌ها و نهایتاً توصیه‌های علمی) بتوان از نوعی تعلیم و تربیت اسلامی سخن به میان آورد که نسبت وثیق‌تری با روایات شیعی داشته باشد.

در باب اشاره به سابقه پژوهش می‌توان به معرفی دو تلاش درخور پرداخت:

۱. تلاش اول متعلق به فاطمه فرضعلی تحت عنوان «بررسی رابطه طینت و ژنتیک با تربیت پذیری از دیدگاه علم اثبات‌گرا و اندیشمندان اسلامی» (فرضعلی، ۱۴۰۰) است که در پی اثبات این دو گزاره است که اولاً قول به نظریه طینت منتهی به جبرگرایی خواهد شد و با اختیار منافات دارد و ثانیاً تربیت‌پذیری و تغییر در رفتار و افکار آدمی و در نهایت غلبه بر ژنتیک یا طینت امری است ممکن.

نگاشته حاضر در مورد گزاره اول معتقد است الزام به نظریه طینت با الزام به وجود اختیار در آدمی جمع‌پذیر است و طبق نظریه طینت انسان‌ها با اختیار خود مستحق طینت خاص خود شده‌اند

و در مورد گزاره دوم تا آن جا که مقاله فوق تربیت را موثر در تغییر در رفتار و افکار آدمی با آن همراه است اما غلبه نهایی بر طینت و تاثیر تربیت بر سعادت یا شقاوت انسان‌ها را رد می‌کند.

۲. تلاش دوم متعلق به فتح الله مجتبائی تحت عنوان «طینت و تربیت از دیدگاه سعدی و کنفسیوس» است که در بخشی از آن عنوان می‌کند کنفسیوس قائل به عدم وجود طینت اولیه در انسان بوده و تمام هویت انسان را به تربیت او باز می‌گرداند در حالی که سعدی معتقد به طینت‌های اولیه متفاوت در بین انسان‌هاست و حتی در شعری امکان تربیت را منوط به استعداد در طینت معرفی می‌کند (مجتبائی، ۱۳۹۵).

نگاشت حاضر ضمن تایید این گزاره اضافه می‌کند مطابق وجود روایات عدیده در باب طینت عملاً سنت شیعی در جای جای مکتوبات خود از جمله دیوان شاعران به وجود طینت‌های گوناگون در بین انسان‌ها اشاره دارد و صریحاً از انگاره طینت سخن به میان آورده است، انگاره‌ای که خصوصاً با تقویت نظریه فطرت در دهه‌های اخیر جایگاه سابق خود را در تبیین معارف شیعی از دست داده است.

مبانی نظری: چیستی نظریه طینت

مقدمه روشی

در جهت ارائه یک تصویر هماهنگ و منسجم از انسان و ماهیت آن تلاش‌های مختلفی صورت گرفته که تحت عنوان انسان‌شناسی‌های گوناگون عرضه شده‌اند. برخی به سراغ منابع فلسفی و سنت عقلی رفته (ملاصدرا، ۱۳۹۸) و از آن طریق سعی در شناخت و معرفی انسان کرده‌اند، برخی دیگر از ابزار شهود و عرفان (ترکه اصفهانی، ۱۳۸۱) بهره جسته و تلاشی روشمند برای ارائه تبیینی مصیب به حقیقت انسان به خرج دادند و برخی دیگر سری به باب حس و تجربه زده و سعی کرده‌اند از دریچه‌ی عالم ماده به انسان نگاه کنند (رجبی، ۱۳۸۰: ۱۷).

در این بین مسیر دیگری نیز قابل ارائه و پیشنهاد است و آن هم رجوع به منابع وحیانی دین با تمرکز بر روایات، به منظور شناخت حقیقت انسان است. مسیری که به شکل موفق‌تری در لایه احکام فقهی دین پیموده شده و جای خالی آن در مباحث اعتقادی حس می‌شود. توضیح بیشتر آن که با رجوع به منابع صادر شده از ناحیه غیب که شامل قرآن و روایات خواهد شد علی‌رغم

پیچیدگی‌های زیاد مفهومی و مصداقی (اسلامی، ۱۳۹۶) می‌توان حداقل به نظریه‌ای در مورد حقیقت انسان دست یافت.

به بیان دیگر انسان‌شناسی پیشنهادی تحت عنوان «نظریه طینت» مسیری است مشابه مسیر فقهی که سعی می‌کند از منابع دینی اصیل پاسخ سوالات حوزه خود را به صورت روشمند استخراج کند. این روش در حوزه انسان‌شناسی اگر چه دارای قدمت و سابقه بس طولانی است و تلاش‌هایی را برای نیل به آن در کتب قدما می‌توان برشمرد (بیگدلی، ۱۴۰۰) اما هیچگاه به عنوان یک مسیر قابل عرضه در کنار سایر روش‌های انسان‌شناختی مورد توجه واقع نشده است. این پژوهش، معتقد است با سرلوحه قرار دادن نظریه طینت، می‌توان باب‌های جدیدی در علوم انسانی گشود که تا قبل از آن به عنوان گم شده‌ی این طریق جستجو می‌شد.

نکته شایان ذکر آن که معرفت‌های حاصل از هر یک از روش‌های مذکور، اصولاً، قابل اعتماد نیستند، توضیح آن که هر علمی، حداقل در جهان پیشاپراگماتیستی، دارای دو مقام است، مقام ثبوت و مقام اثبات (حوزه هستی‌شناختی و حوزه معرفت‌شناسی) تمامی علوم در حوزه معرفت‌شناختی و اثباتی، بشری بوده و مقید به محدودیت‌های عقل و قوه فاهمه بشری هستند، چه علوم تجربی و چه علوم دینی در این محدودیت مشترک هستند. اما در مقام اثبات، ذات نقل‌های دینی (فارغ از بحث نحوه کشف آن) به علت برخورداری از خصیصه فرازمانی، فرامکانی بودن علم معصوم، در ذات خود محدودیت ندارند؛ اما تلاش‌های فلسفی، شهودی، تجربی از حیث منبع (هستی‌شناختی - ثبوتی) نیز محدودیت دارند و نمی‌توانند ادعای علم کلی داشته باشند؛ به ویژه روش تجربی مبتنی بر هر نوع مشاهده و استقراء، از منظر منطقی، امکان طرح ادعای علم کلی را ندارد. لذا خطاهای رخ داده در علوم نقلی، ناظر به خطای در مقام اثبات و معرفت‌شناختی است، اما خطاهای رخ داده در علوم تجربی، عقلی، شهودی، ناشی از ضعف در اصل منبع است البته اثبات این سخن مجال دیگری می‌طلبد. اما اجمالاً می‌توان مدعی شد اگر بتوان با روش‌های قابل اعتماد گزاره‌ای را معصوم منتسب نمود، این گزاره از گزاره‌های مشابه خود، در سایر روش‌ها متقن‌تر خواهد بود و احتمال بروز خطا در آن خصوصاً بعد از بررسی‌های دقیق ناظر بر اعتماد به صدور روایات از جانب معصومین علیهم السلام میل به صفر می‌کند.

از سوی دیگر بنا به آنچه در کلام شیعه مورد اشاره قرار گرفته است، با توجه به ویژگی‌های علم معصوم، اگر انتساب گزاره یا گزاره‌هایی به معصوم تمام باشد، علم حاصل شده دارای سازگاری و یکپارچگی و با توجه به واقعی بودن علم معصوم، دارای قابلیت تبیین پدیده‌های تاریخی و اجتماعی است. به ویژه حوزه انسان‌شناسی با توجه به پیچیده بودن موضوع آن، یعنی انسان و وجود همزمان، اراده - محیط پیرامونی؛ گرایش‌های مثبت - منفی؛ شوق به رشد - راحت‌طلبی؛ گرایش به وحدت - کثرت و... و ظهور این پیچیدگی در اجتماع بشری، به دست دادن نظریه‌ای منسجم و کارآمد را در دیگر روش‌های علمی با دشواری مضاعف مواجه می‌نماید.

مضامین اصلی نظریه طینت

کثرت و هماهنگی مضامین اخبار در حوزه‌ی انسان‌شناسی طینتی، چنان است که می‌توان ادعا کرد روایات ناظر بر «طینت» و «عالم ذر» متواتر معنوی هستند. می‌توان اصلی‌ترین مضامین اشاره شده در روایات در این حوزه را به شرح زیر تقریر نمود:

۱. همه انسان‌ها از پنج نوع طینت مختلف آفریده شده‌اند، طینت فوق‌علین یا اعلی‌علین،

علین، سجینی، دون سجینی و ترابی. و (برقی، ۱۳۷۱: ۱۳۲) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱۵ و ۱۶)

(قمی، ۱۴۰۴: ۴۱۱) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۰) (صدوق قمی، ۱۳۸۳: ۱۱۶)

۲. این که کدام طینت به کدام انسان تعلق می‌گیرد به علم خدا نسبت به عملکرد او در آینده

برمی‌گردد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۳) (صدوق قمی، ۱۳۵۷: ۳۵۴)

۳. انسانی که از طینت متناسب با خود در عالم ذر آفریده شده است دارای: عقل (طوسی،

۱۴۱۴: ۴۷۷)، فطرت (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۹) (صدوق قمی، ۱۳۵۷: ۳۲۹)، اختیار، اراده و

توانایی سخن‌گفتن (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۱۲) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲) بوده است. فطرت در

روایات، تنها معرفتی است که خداوند به انسان‌ها داده است تا بتوانند او را بشناسند و به

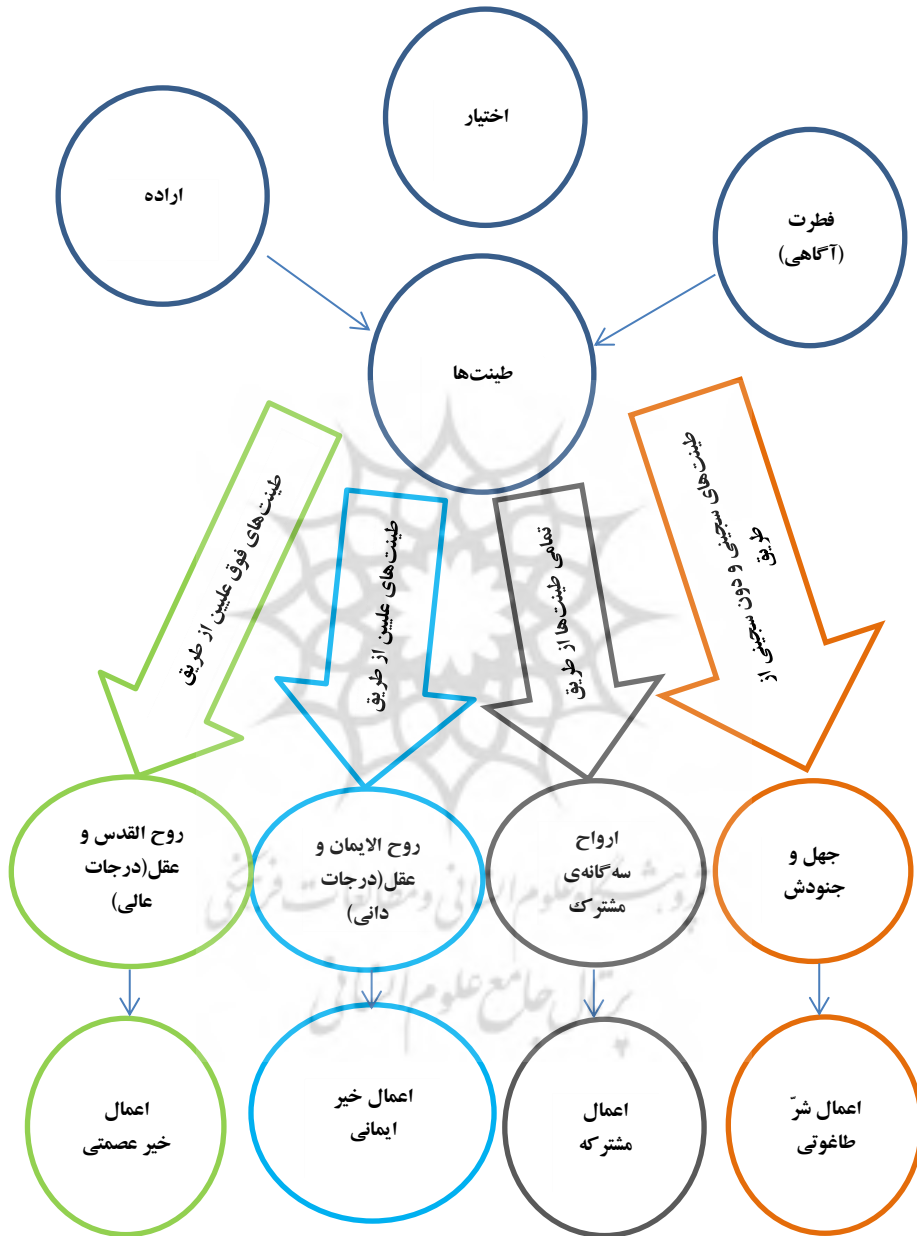
ربوبیت او اقرار نمایند، فطرت ربطی به ایمان و کفر و سعادت و شقاوت ندارد. البته آن

معرفت فطری در این جهان نیز همراه انسان است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳)

۴. در عالم ذر، سعید یا شقی بودن تمام انسان‌ها روشن شده، سپس خداوند به اصحاب یمین (صاحبان طینت علیین و بالاتر) امر نموده تا به بهشت وارد شوند و به اصحاب شمال (صاحبان طینت سجینی و پایین تر) برای ورود به جهنم امر نموده است. (برقی، ۱۳۷۱: ۲۸۱) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۷۱) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۳۸) (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۸۲) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰) (صدوق قمی، ۱۳۸۳: ۶۰۷)
۵. اصحاب شمال بر این امر پروردگار اعتراض نموده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱) (نعمان، ۱۳۹۷: ۹۰) (اترک، ۱۳۸۳)
۶. خداوند برای آزمایش انسان‌ها و سنجش عیار انسان‌ها و اتمام حجت آزمایشی ترتیب داده است. آتشی افروخته شده و به همه امر شده تا در آن بروند. (برقی، ۱۳۷۱: ۲۸۱) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۷۱) (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۵۸) (کلینی، ۱۴۰۷: ۶) (صدوق قمی، ۱۳۸۳: ۴۲۵)
۷. مردود شدن اصحاب شمال در آزمایش و سربلندی اصحاب یمین (اولین ذره ای که آزمایش را موفق به پایان رساند نبی مکرم اسلام ص بود) (برقی، ۱۳۷۱: ۲۸۱) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۷۱) (کلینی، ۱۴۰۷: ۶)
۸. تثبیت کامل طینت‌ها و تعیین سعادت یا شقاوت افراد و عدم امکان تغییر وجود برخی روایات در مورد امکان تغییر طینت. (برقی، ۱۳۷۱: ۱۳۵) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۹۰) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۰) (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۰۸)
۹. گرفتن میثاق در عالم ذر مبنی بر ربوبیت خدا و نبوت نبی مکرم اسلام و ولایت اهل بیت علیهم السلام (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۷۱) (کلینی، ۱۴۰۷: ۸)
۱۰. اقرار همه انسان‌ها به ربوبیت خداوند با این تفاوت که قبول اصحاب یمین از صمیم قلب و اقرار اصحاب شمال از روی اکراه بوده است. (قمی، ۱۴۰۴: ۲۴۸)
۱۱. تبدیل دوباره انسان‌های ذری به خاک و اختلاط طینت‌ها (برقی، المحاسن: ۱۳۷) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱۵) (صدوق قمی، ۱۳۸۳: ۸۲) و ایجاد امکان تولد مومن از کافر و کافر از مومن. (برقی، ۱۳۷۱: ۱۳۳) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱۵) (صدوق قمی، ۱۳۸۳: ۸۲) (مفید، ۱۴۱۳: ۲۵)

۱۲. آفرینش بدن حضرت آدم ع از خاکی که در بردارنده تمام طینت‌های قبلی بوده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۶).
 ۱۳. غالب انسان‌ها از طینتی اصلی و فرعی تشکیل شده‌اند. (طینت اصلی طینت ذری آن‌ها و طینت فرعی آن مقداری است که در ماجرای اختلاط طینت‌ها به آن اضافه شده است) (برقی، ۱۳۷۱: ۱۳۷) (کلینی، ۱۴۰۷: ۴)
 ۱۴. ایجاد عالم اظله و سپس عالم ارواح و گرفتن میثاق بر نبوت نبی مکرم اسلام ص و امامان هدی علیهم السلام در عوالم بعدی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰)
 ۱۵. خلقت حضرت آدم ع و هبوط ایشان به زمین (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۱۹) (کلینی، ۱۴۰۷: ۵)
 ۱۶. بیرون آمدن ذریه‌ی حضرت آدم به صورت ذره‌هایی از پشت ایشان در زمین، وقوع عالم ذر برای دومین یا چندمین بار، و گرفتن مجدد میثاق به واسطه ارسال رسل (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۹) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳) (صدوق قمی: ۳۳۰)
 ۱۷. خلق پنج روح: روح القدس (مخصوص انبیاء)، روح الایمان (مخصوص مومنین)، روح الشهوه، روح الحیات، روح القوه (مشترک بین همه انسان‌ها) با درجاتی. (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۴۵۵) (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۲)
 ۱۸. خروج ارواح، تغییر، تقویت و تضعیف ارواح مومنین به سبب افعال مختلف و شرایط گوناگون. (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۴۴۹)
 ۱۹. از بین رفتن طینت فرعی با مرگ انسان‌ها و باقی ماندن طینت اصلی. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۴)
 ۲۰. بازگشت طینت‌های اصلی به محل استقرار خود در جهنم یا بهشت. (صدوق قمی، ۱۳۸۳: ۴۹)
- مطابق این روایات، در مورد آغاز و انجام انسان، گزاره‌هایی قابل استخراج است:
۱. اصل هویتی هر انسانی طینت اوست.
 ۲. طینت‌ها به سه بخش عمده‌ی علیین (نورانی) و سجینی (ظلمانی) و ترابی (خنثی) تقسیم می‌شوند. هر یک از طینت‌ها نیز مراتب و درجات دارند.

۳. بین طینت‌های اعلیٰ علیین و اسفل سجینی هیچ اشتراکی وجود ندارد. لذا استفاده از واژه انسان، اشتراک لفظ خواهد بود.
۴. طینت‌های علیین و سجینی امکان تغییر ندارند و تثبیت شده هستند.
۵. طینت ترابی، خنثی است و وضعیت آخرت آن‌ها بسته به اراده‌ی حکمیانه و فضل خداوند به آنان دارد. (صفا قمی، ۱۴۰۴: ۱۶)
۶. انسان‌ها طبق طینت اصلی خود فعل انجام می‌دهند. طینت‌های علیینی با استفاده از روح القدس و روح الایمان خیر و طینت‌های سجینی با به کارگیری جهل و جنود آن شر انجام می‌دهند.
۷. ممکن است بواسطه اختلاط طینت‌ها، افعالی بر خلاف طینت اصلی از انسان سر بزند (مثلاً ممکن است انسانی با طینت اصلی علیین مرتکب حرامی شود و بالعکس انسانی با طینت اصلی سجینی خیری انجام دهد) (برقی، ۱۳۷۱: ۱۳۸)
۸. حب و بغض انسان‌ها بر اساس نوع طینت آن‌ها تعیین می‌شود بدین معنا که طینت‌های مشابه یکدیگر را جذب می‌کنند و طینت‌های مخالف، بغض یکدیگر را دارند، این حب و بغض از عوالم پیشین و به محض دارا شدن طینت آشکار شده است. (برقی، ۱۳۷۱: ۱۳۴)
۹. سعادت یا شقاوت هر کس و تمامی اعمالی که در تمامی عوالم انجام داد است نسبت تمام و وثیقی با طینت اصلی او و نوع انتخاب اولیه او در عالم ذر دارد.
۱۰. از آن روی که طینت‌ها بر اساس افعال اختیاری آینده انسان‌ها از سوی خداوند به آنان داده شده است، و با توجه به اعطای امکان تغییر طینت در عالم ذر به انسان‌ها (قمی، تفسیر القمی، ج ۱، صفحه ۳۸) و امکان بسیار مشکل تغییر طینت در این جهان، و اختیار مستمر انسان‌ها؛ بر خلاف نظر برخی عالمان، طینت منجر به جبر نخواهد شد. این بحث بسیار گسترده است؛ (مجلسی، ۱۳۶۹: ۱۵) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۰) (خوانساری، ۱۳۲۵: ۱۳) اما پیش فرض این مقاله، عدم منافات طینت با اختیار انسان است. (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۳۴) آن چه گذشت را می‌توان در الگوی زیر به صورت خلاصه نشان داد:



یافته‌های پژوهش

دلالت‌های تربیتی نظریه طینت

با توجه به آن چه از مضامین روایت ناظر به طینت گفته شد می‌توان دنباله این نوع نگاه به انسان را در زمینه‌های مختلف از جمله تعلیم و تربیت جستجو کرد، آنچه در ادامه می‌آید حاصل تأمل نویسندگان در نسبت بین نظریه طینت و اهداف تعلیم و تربیت است، لازم است این تلاش در سایر حیطه‌های ناظر بر تعلیم و تربیت مثل روش‌شناسی، معنای مریی و متربی، اهداف خرد و ... پیگیری شده تا در نهایت بتوان از تعلیم و تربیت متکی به انسان‌شناسی روایی سخن به میان آورد. شاید اصلی‌ترین مسأله چالش برانگیز روایات طینت در حوزه‌ی تربیت، مشخص بودن طینت‌ها و به تبع سعادت و شقاوت افراد و به ویژه امکان یا عدم امکان تغییر طینت‌ها است. با توجه به کلیدی بودن و حساس بودن، تعیین مضمون روایات در این حوزه، به ناچار باید اجمال اشاره شده، در این موضوع به خصوص بسط داده شود.

روایت دال بر امتناع تغییر طینت

روایاتی که نشان می‌دهد طینت اولیه‌ای که انسان از آن خلق شده دیگر قابل تغییر نیست، فراوان است. بر اساس برخی روایات، طینت هرگز تغییر نمی‌کند؛ طینت پاک آلوده نشده و طینت آلوده نیز پاک نمی‌شود. همچنین خلقت اولیه نیز تغییر نمی‌کند (قمی، ۱۴۰۴: ۲۲۷) در روایت دیگری تصریح شده است که انبیا بر نبوت خلق شده‌اند و هرگز غیر نبی نمی‌شوند. مؤمنین هم بر ایمان خلق شده‌اند و هرگز غیر مؤمن نمی‌شوند. در این میان، گروهی نیز ایمان عاریه‌ای دارند و اگر خداوند بخواهد، ایمانشان را سلب یا تمام می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، صفحه ۴۱۸) این روایت دلالت بر این دارد که طینت انبیا و مؤمنین قطعاً تغییر نمی‌کند اما امکان تغییر در برخی که ایمان عاریه‌ای دارند وجود دارد. (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۲۹)

در کنار این روایات صریح، روایاتی که دلالت غیر مستقیم بر عدم امکان تغییر طینت را دارند نیز وجود دارد. (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۹۰) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۰) (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۰۸) روایات فراوانی نیز دلالت بر عدم امکان تغییر، میثاق و وضعیت ایمان و کفر دارند که همگی دلالت غیر مستقیم بر عدم امکان تغییر طینت نیز دارند. (قمی، ۱۴۰۴: ۲۴۸) (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۸۱)

(عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۲۷) (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۲۹) عدم امکان تغییر ایمان و کفر - و به دلالت غیر مستقیم عدم امکان تغییر طینت - چنان مورد توجه بوده است که در روایتی به کسانی که معتقد به امکان تغییر سرنوشت (ایمان و کفر) هستند، قدریه و مجوسیان امت اسلام گفته شده است! (قمی، ۱۴۰۴: ۲۲۷) (بحرانی، ۱۳۳۴: ۵۲۸) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹)

روایات دال بر امکان تغییر طینت

در برابر این روایات، برخی روایات از امکان تغییر طینت سخن می‌گویند؛ آن‌گاه که خداوند متعال، انسان‌ها را از طینت‌های مختلف و متناسب با عمل آینده‌ی آنان خلق کرد، برای اصحاب شمال، شرط «بدا» نمود و چنین مقدر فرمود که اهل طغیان، امکان تغییر طینت خویش را داشته باشند، اما برای اصحاب یمین، بدا را قرارداد و طینت بهشتی آنان تثبیت و غیر قابل تغییر شد. (قمی، ۱۴۰۴: ۳۸) امکان تغییر و بدا، امکانی دائمی برای خداوند است. (صدوق قمی، ۱۳۸۳: ۱۱) هنگام خلق نطفه‌ای که از او در عوالم گذشته میثاق گرفته شده است و پس از قرار گرفتن آن در رحم مادر، دو ملک به امر خداوند قضاء و قدر و سعادت و شقاوت انسان را در لوحی می‌نویسند اما امکان تغییر و بدا در سرنوشت هر شخصی ذیل سرنوشت شرط می‌شود و این شرط نیز نگاشته می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴) روایتی ضمن تأکید بر عدم تغییر مسیر کافر و مؤمن از انتخاب اولیه، مشیت الهی را تعیین‌کننده‌ی تکلیف مستضعفان که از طینت خنثی و ترابی هستند دانسته است. (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱۶) این روایت دلالتی دور بر این دارد که امکان تغییر طینت وجود دارد، چرا که ارسال یک مستضعف به بهشت، مستلزم داشتن طینت بهشتی است. یعنی حتی در جهان آخرت، امکان اعطای طینت جدید، به افرادی وجود دارد.

از سویی در ادعیه‌ی مأثوره، دعاها و اذکاری وجود دارد که ثمره‌ی استجاب آن‌ها، تغییر وضعیت از شقاوت به سعادت ذکر شده است. (طوسی، ۱۴۱۱: ۸۳) (ابن طاووس، ۱۴۰۶: ۲۲۲) (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۰۹) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۷)

جمع بین اخبار

روایات دسته‌ی اول از منظر تعداد، سند، دلالت و هماهنگی با سایر روایات، بیشتر، قوی‌تر و روشن‌تر و منسجم‌تر و در نتیجه، محکم هستند اما روایات و ادعیه‌ی امکان تغییر متشابه هستند. به

همین دلیل دسته‌ی اخیر باید به روایات محکم حمل شود. برای حل تعارض و حمل روایات بر هم‌دیگر، چند وجه به نظر می‌رسد:

۱. منظور امکان تغییر طینت کنایی است.
۲. کسی که توفیق انجام این اعمال و ادعیه را دارد از سعداست و این دعا از باب ادب و تقصیر است.
۳. منظور از امکان، امکان تغییر در لوح قابل تغییر است، نه لوح ثابت.
۴. دعا در ظرف این زمان و دنیا انجام شده اما استجاب آن در عالم ذر و پیش از این دنیا رخ داده است.

۵. روایات عدم امکان تغییر طینت، در مقام رد عقیده استقلال در سعادت و شقاوت بوده‌اند نه عدم امکان به دست خداوند.

۶. روایات ناظر بر امکان تغییر تنها ناظر به «امکان عقلی» وقوع آن و توصیف قدرت خداوند و محال نبودن عقلی تغییر و بدا است؛ اما روایات بسیار فراوان دارای مضمون عدم امکان تغییر، ناظر به «امکان رخداد» تغییر است.

به نظر می‌رسد وجه ششم قابل‌پذیرش‌ترین احتمال باشد، لذا جمع‌بندی این پژوهش آن است که هرچند امکان عقلی تغییر طینت وجود دارد اما امکان وقوع یا ناممکن یا بسیار بسیار دشوار و نادر است. اما به هر حال احتمال آن وجود دارد، لذا در تحلیل‌ها باید این احتمال را نیز در نظر گرفت.

دلالت اخبار طینت در مورد هدف تربیت

بر فرض پذیرش سخت‌ترین فرض ممکن، یعنی امتناع مطلق تغییر طینت‌ها، آیا تعلیم و تربیت بیهوده و عبث است و اگر آری ارسال رسل، تعلیم کتب و تبلیغ و ارشاد چگونه توضیح داده می‌شود؟ به نظر می‌رسد دقت در مضمون روایات چرایی خلقت این جهان و روایات آغاز خلقت، این نظریه را تقویت می‌نماید که هدف از خلقت این جهان و سپس ارسال رسل و تمام فرایند تعلیم و تربیت، نه تغییر در طینت‌ها یا سرنوشت افراد، بلکه «اتمام حجت» بر آن‌ها است. (النساء، ۱۶۵) به ویژه توجه به روایات آغاز خلقت از طینت نشان می‌دهد که خداوند اراده فرموده بود که

بلافاصله پس از خلقت آدمیان از انواع طینت، بهشت و جهنم برپا شود؛ اما اصحاب شمال بر این اراده خرده گرفتند و دقیقاً اشکالشان آن بود که رسولی انذار نداده و دعوتی صورت نگرفته، به زبان امروز، اعتراض کردند که چرا نظام تربیتی بر ما عرضه نشده است. در پاسخ به این اعتراض آزمایش به آتش و سپس خلق این جهان رخ داده است. لذا به نظر می‌رسد بر اساس این اخبار عالی‌ترین و مهم‌ترین و اصلی‌ترین محور یک نظام آموزشی و تربیتی، نه به سعادت رساندن افراد بلکه اتمام حجت بر آنان است. این هدف می‌تواند تغییرات گسترده‌ای را در نظام‌های آموزشی و تربیتی ایجاد نماید.

از سوی دیگر، ولو با پذیرش اصل امتناع تغییر طینت، روایات دلالتی بر امتناع بستر سازی برای ظهور و بروز تمدنی و اجتماعی این طینت‌ها ندارند لذا می‌توان اهداف دیگری را به صورت فرعی برای تربیت برشمرد از جمله: بستر سازی به منظور بروز فعلی حداکثری طینت علینی و بروز فعلی و اجتماعی - تاریخی حداقلی طینت‌های سجینی و ناپاک مخالف.

دقت شود در این تعریف از تعلیم و تربیت، نظام تربیتی مطلقاً در ایجاد سرنوشت برای افراد نقشی نداشته و ابدا امکان تغییر در سعادت یا شقاوت افراد را نخواهد داشت بلکه صرفاً ابزاری است در جهت کنترل و هدایت افعال بیرونی انسان‌ها به منظور رسیدن به تمدنی مناسب بروز حداکثری طینت صاحبان تعلیم و تربیت (حال طینت پاک یا ناپاک) به بیان دیگر دغدغه‌ی نظام تربیتی حاصل از نظریه طینت، تعیین سعادت و شقاوت افراد نیست زیرا این امر در جهان‌های پیشین مشخص شده و افراد بر اساس طینت انتخابی خود در آن جهان‌ها در این جهان نیز دائماً عمل کرده و دست به انتخاب می‌زنند این رویکرد در برابر سایر نظام‌های تربیتی رایج که عاقبت انسان‌ها را در گرو اعمال آن‌ها در این دنیا دیده‌اند قرار دارد. این سخن یعنی اصولاً هدف نظام تربیت، افراد نیستند، بلکه ساخت و تنظیم اجتماعی - تمدنی است. وضعیت افراد از قبل روشن است و نظام تربیت تنها می‌تواند به ظهور و بروز ذات و طینت افراد کمک نماید و با بهره از طینت‌های بروز یافته نظم اجتماعی ایجاد نماید؛ مسأله تغییر در ذات نیست، بلکه تغییر در بروز ذات است.

در تحلیل‌های انسان‌شناختی بیان شد که بین طینت و فعل یک واسطه بسیار اثرگذار وجود دارد و آن هم روح انسان‌هاست که به پنج روح تقسیم می‌شود: روح القدس، روح الایمان، روح القوه، روح الشهوه و روح الحیات. با کنار گذاشتن روح القدس که مخصوص صاحبان طینت اعلی

علین است، در حقیقت انسان‌ها و به بیان بهتر طینت‌ها از طریق روح الایمان اعمال خیر و از طریق ارواح سه گانه اعمال ناظر بر زندگی و با سوء استفاده از این قوای سه گانه از طریق جهل و جنودش به کارهای شر دست می‌زنند. با این تحلیل نظام تربیتی باید سعی کند بسترسازی حداکثری برای تقویت ارواح مخصوص به خود را برنامه ریزی کند. یعنی نظام تربیتی الهی باید سعی کند اولاً در مومنین (صاحبان طینت علین) تا حد ممکن روح الایمان را تقویت کند و از فرسایش و در نهایت دوری آن از مومنین جلوگیری کند و ثانیاً شرایطی را برای صاحبان طینت سجینی ایجاد کند که طینت فرعی آن‌ها فعال تر شده و بروز فعلی خیر آن‌ها بیشتر باشد. چنانچه در مقابل نظام تربیتی شیطانی سعی می‌کند اولاً جنود جهل را در فعالیت حداکثری فعال کرده و از این طریق صاحبان طینت‌های سجینی را برای بروز افعال شر حداکثری تهییج و تشویق کند و ثانیاً تا حد امکان جنود جهل را بر صاحبان طینت علین چیره می‌کند به حدی که ارواح سه گانه آن‌ها مسخر جنود جهل شده، طینت فرعی آن‌ها (سجینی) قدرت گرفته و بروز افعال شر از آن‌ها بیشتر و بیشتر شود.

اما بر فرض پذیرش امکان تغییر طینت‌ها ولو بسیار دشوار می‌توان اهداف دیگری را نیز برای نظام تربیتی متصور شد، از جمله از آن روی که طینت‌های ترابی، احتمالاً امکان جذب به سوی دو طینت پاک و ناپاک و به تبع امکان تغییر بیشتری را دارند، نظام تربیتی می‌تواند بستر سازی برای جذب طینت‌های ترابی و بروز حداکثری طینت موافق و حداقلی طینت مخالف از دل طینت‌های ترابی را داشته باشد. طینت‌های ترابی سرنوشتی نامعلوم دارند که به نظر می‌رسد جذب این گروه به سمت طینت‌های موافق می‌تواند از معانی جدی تعلیم و تربیت در نظریه تربیتی طینت باشد. در واقع طینت‌های ترابی (که البته در ساخت تمدن نقش‌هایی تبعی و وابسته دارند) در بین طینت‌های سجینی و علین به سمت بروز فعلی طینتی حرکت می‌کنند که طینت غالب زمانه آن‌ها باشد. شاید بتوان گفت بیشتری تاثیر تعلیم و تربیت بر این گروه اتفاق خواهد افتاد چرا که احتمال دارد مشیت خداوند برای سرنوشت آنان در آخرت، و سعادت یا شقاوت آنان وابسته به رفتار آن‌ها در این دنیا باشد، رفتاری که متأثر از نظام تعلیم و تربیت و محیط است. با این بیان نظام تربیتی الهی برآمده از نظریه طینت، سعی می‌کند راه‌های بروز فعلی شر را بر مستضعفین سد کرده و آن‌ها را به سمت کار خیر سوق داده و از این جهت سعادت آن‌ها را رقم بزند و در مقابل نظام تربیتی شیطانی تلاش

می‌کند راه‌های بروز فعل خیر را بر مستضعفین بسته و آن‌ها را به سمت اعمال شر سوق داده و از این طریق شقاوت را برای آن‌ها رقم زند.

قابل ذکر است، بر اساس تحلیل اخبار طینت، مشخص می‌گردد که فطرت نوعی آگاهی اعطایی به انسان در عالم ذر است که در این جهان نیز تداوم دارد؛ و نه گرایش ذاتی انسان‌ها به خوبی، فطرت آگاه است نه گرایش. از سویی انسان‌ها دارای انواع طینت‌ها هستند و نمی‌توان گزاره‌ای کلی در مورد ذات انسان‌ها صادر نمود، لذا نمی‌توان گفت انسان‌ها ذاتاً خوب یا شر هستند. بر خلاف نظریه فطرت که ذات انسان‌ها را خوب و کمال‌جو می‌داند، نظریه طینت، از ذات‌ها سخن می‌گوید. لذا چگونگی نظام تربیتی مبتنی بر نظریه طینت با چگونگی آن بر اساس نظریه فطرت متفاوت خواهد بود، موضوعی که در مقاله مستقلاً قابل طرح است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

می‌توان ادعا کرد نظریه طینت، می‌تواند در اهداف کلان تعلیم و تربیت تحول معنایی و مفهومی گسترده‌ای ایجاد کند تا جایی که نظام اهدافی کاملاً متمایز از آن چه قبلاً در این علم بررسی شده ارائه دهد، نظام اهدافی که ظرفیت و استعداد ظهور و تجلی در لایه‌های سطحی‌تر علم را داراست. بر اساس جمع‌بندی این پژوهش از روایات طینت، انسان‌ها در عوالمی قبل از این جهان از طینت‌هایی خلق شده‌اند این طینت‌ها بر پایه انتخاب‌های آتی انسان‌ها که خداوند به آن عالم بوده است به آنان داده شده است، لذا طینت مقتضی جبر نیست. از جمع‌بندی پژوهش حاضر آن است که طینت در این جهان، عقلاً قابل تغییر است اما عملاً تغییر نمی‌کند یا تغییر آن بسیار دشوار است. بر این پایه هدف اصلی یک نظام تربیتی نمی‌تواند تأثیری در ذات آدمیان یا سعادت و شقاوت آنان داشته باشد، از سویی وجود و لزوم تبلیغ و تربیت، امری قطعی است، حاصل پژوهش حاضر آن است که منطقی‌ترین و محوری‌ترین هدف نظام تربیتی در معنای اعم خود، چنانچه آیه و روایاتی نیز بر این سخن دلالت دارند تبلیغ برای «اتمام حجت» بر بندگان است، در کنار این هدف اصلی، هدایت یا کنترل طینت‌ها در ظهور و بروز اجتماعی و تمدنی نیز می‌تواند مد نظر باشد؛ یک نظام تربیتی نمی‌تواند ذات انسان‌ها را تغییر دهد، اما می‌تواند بسترهایی فراهم آورد که

طینت‌ها پاک‌ظهور و بروز بیشتری داشته باشند و طینت‌های سنجینی و ظلمانی بروز کمتری. از سویی احتمال بسیار اندک تغییر در طینت‌ها در طینت‌های تراپی محتمل‌تر است، لذا یک نظام تربیتی می‌تواند با ایجاد شرایط محیطی در تعیین سرنوشت طینت‌های تراپی در قیامت توسط خداوند حکیم، نقش داشته باشد.



فهرست منابع

منابع فارسی

- Afzali, Ali, (2009), Response to theological and philosophical problems regarding the world of matter, Tehran: Philosophy of Religion, No. 4. (InPersian)
- Atrak, Hossein. (2018), The Levels of Creation from the Perspective of Verses and Narrations, Tehran: Philosophical-Theological Research, No. 22 and 23.(InPersian)
- Bagheri, Khosrow, (1400), A second look at Islamic education, Tehran: Borhan School Cultural Institute. (InPersian)
- Bahonar, Mohammad Javad, (1998), Educational Discourses, Tehran: Islamic Culture Publishing House. (InPersian)
- Bigdali, Atallah, (1400), Narrative Anthropology, Tehran: Shahid Sadr Research Institute and Ishraq Institute. (InPersian)
- Eslami, Mohammad Jafar; Jalili, Hussein, (2017), Studying the Position of the News of Tainat among Shiite Scholars, Qom: Studies of the Quran and Hadith of Safina, Issue 54.(InPersian)
- Farz Ali, Fatemeh, (1400), Studying the Relationship between Genitals and Genetics with Educability from the Perspective of Positivist Science and Islamic Scholars, Tehran: Research in Islamic Education and Education, Second Volume, No. 1. (InPersian)
- Isfahani, Jafar; Akbari, Reza, (2012), An analytical look at the problem of the world of particles in the school of separation, Tehran: Philosophical-Theological Studies, Fourth Year, No. 54. (InPersian)
- Jafari, Mohammad Taqi, (2019), The Elements of Education, Tehran: Institute for Compilation and Publishing of Allameh Jafari's Works. (InPersian)
- Mojtabaei, Fathollah, (2017), Morality and Education from the Perspective of Saadi and Confucius, Tehran: Saadi Studies, No. 3. (InPersian)
- Motahari, Morteza, (1402), Education in Islam, Tehran: Sadra Publishing Institute. (InPersian)
- Rajabi, Mahmoud, (2002), Anthropology, Qom: Imam Khomeini Foundation. (InPersian)
- Zakery, Mehdi; Gholami, Asghar, (2014), Divine Defilement and Justice, Tehran: Quarterly Journal of Theological Research. (InPersian)

منابع عربی

- آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین، (۱۱۲۵)، شرح احادیث طینت بضمیمه نیت و اخلاص و جبر و اختیار، اصفهان: حسینیه عمادزاده.
- بحرانی، سیدهاشم، (۱۳۳۴)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: موسسه بعثت.

- برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، المحاسن، بیروت: دارالکتاب الاسلامیه.
- ترکه اصفهانی، علی بن محمد، (۱۳۸۱)، قواعد التمهید، تهران: الف لام میم.
- سید بن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۶)، الإقبال بالأعمال الحسنة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سید طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۶ق)، فلاح السائل و نجاح المسائل، مشهد: آستان قدس رضوی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۸) الحکمه المتعالیه فی السفر العقلیه الاربعه، تهران: مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳)، شرح اصول الکافی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدوق قمی، محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه، (۱۳۸۳)، علل الشرایع، قم: داورى.
- صدوق قمی، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، (۱۳۵۷)، التوحید، قم: چاپ‌هاشم حسینی طهرانی.
- صدوق قمی، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۰۳)، معانی الأخیار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱)، مصباح المتهدج و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴)، الأمالی، قم: دار الثقافة.
- عباشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: مطبعه علمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: الإسلامیه.
- مازندران، محمد صالح بن احد، (۱۳۸۲)، شرح الکافی الأصول و الروضه، تهران: المکتبه الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۹)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء تراث العربی.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الاختصاص، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷)، الغیبه، تهران: صدوق.

پروژه گام دوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جاب دوم انسانی